



پردیس شهیدان پاکنژاد یزد

گروه علوم تربیتی

کارنمای معلمی

عنوان

از قلم تا قلب

دوره کارشناسی پیوسته

دانشجو معلم

محمداحسان دهقان بنادکی

استاد

جناب آقای دکتر منصور دهقان منشادی

فروردین ۱۴۰۳





تاییدیه استاد راهنما و دانشجو معلم

این گزارش حاصل تلاش و تجارب کسب شده آقای محمداحسان دهقان بنادکی در طول دوره کارشناسی رشته آموزش ابتدایی بوده و مورد تایید اینجانب می باشد و نمره را اخذ نموده است.

دکتر منصور دهقان منشادی

تاریخ و امضاء

اینجانب محمداحسان دهقان بنادکی، دانشجو معلم دوره کارشناسی پیوسته رشته آموزش ابتدایی ، ورودی سال ۹۹ ، به شماره دانشجویی ۹۹۲۱۱۱۹۷۲۵ بدین وسیله متعذ می شوم :

۱. کارنمای معلمی تهیه شده حاصل تلاش ، تجارب و ایده های در طول تحصیل دوره ی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان بوده و شخصا به رشته تحریر درآوردم

۲. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود ، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و پردیس / واحدهای تابعه دانشگاه فرهنگیان مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

محمداحسان دهقان بنادکی

تاریخ و امضاء

تقدیم نامه

به نام خداوند بخشنده مهربان و با درود فراوان بر پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد (ص)، که رحمتی برای جهانیان بوده و هستند.

در این لحظات ناب و با ارزش، ابتدا شکرگزار نعمت های بی شمار خداوند متعال هستم که مرا در این مسیر علم و دانایی یاری نموده است. با قدردانی از خداوند مهربان و با الهام از سیره پیامبر اعظم (ص)، این پروژه را که حاصل تلاش های من است تقدیم می کنم. این پروژه نه تنها یک سند علمی است، بلکه نشان دهنده عشق و اشتیاق من به دانش و پیشرفت است.

معلم همچون نوری در تاریکی، راهنمایی می کند و مسیر را روشن می سازد. جایگاه معلم در جامعه همانند ستونی استوار است که بر دوش خود، آینده ای درخشان برای نسل ها می سازد.

در این راه پدر و مادر عزیزم، چون فانوسی در شب، راهنمای من بوده اند و با محبت و حمایت های بی دریغ خود، مرا در این سفر دشوار همراهی کرده اند. از صمیم قلب برای آن ها آرزوی سلامتی و شادکامی دارم و امیدوارم بتوانم روزی زحماتشان را جبران کنم.

همچنین از استاد گرانقدرم، جناب آقای دکتر منصور دهقان منشادی، که با دانش و تجربه خود، مرا در این مسیر علمی راهنمایی فرموده اند، سپاس گزاری می کنم. بدون شک بدون تلاش ها و راهنمایی های صبورانه ایشان چه در این زمینه و چه در زمینه های دیگر در طول این سال ها موفق نمی شدم.

پیش گفتار

من قصد دارم تجربیات و دانش خود را در زمینه آموزش ابتدایی به اشتراک بگذارم ، این مسیر آموزش ، نوری است که در راه رشد و توسعه دانش آموزان می تابد و به عبارتی با استفاده از وسیله ساده ای مثل قلم به قلب و روح دانش آموزان وارد می شویم ، به همین دلیل این عنوان زیبا را برای خودم انتخاب کردم . (از قلم تا قلب) باعث افتخار من است که این شغل پر اهمیت و دوست داشتنی را دارم و امیدوارم لیاقت آن را هم داشته باشم ، درست است کوتاهی های زیادی در مقابل این شغل می شود اما آن چنان منزلتی به انسان می دهد که از تمام کارها و فعالیت های دیگر با ارزش تر است ، بنظرم نباید به معلمی به عنوان یک شغل نگاه کرد ، معلمی عشق است ، دوست داشتن است ، بزرگ کردن کودکانی است که در آینده جامعه ما را تشکیل می دهند و هرکدام از آن ها رئیس جمهور ها ، وزیران ، پزشکان ، مهندسان و ... این سرزمین خواهند شد.

امیدوارم بتوانم در این مسیر موفق باشم و جوری این کار را ادامه بدهم که وقتی سن و سالی ازم گذشت و به گذشته فکر کردم افسوس نخورم. چرا با دانش آموزم اینگونه حرف زدم ، چرا این مطلب را اشتباه گفتم و... جوری تدریس کنم که حتی اگر شده یک دانش آموز را متحول کنم و در مسیر درست قرار بدهم ، آن ها را دوست داشته باشم و در آینده وقتی مرا میبینند درباره موفقیت های خودشان بگویند تا من هم بدانم کارم نتیجه بخش بوده است.

تمام تلاشم را خواهم کرد تا معلم بهتری بشم و سال به سال پیشرفت کنم و کارآمد تر بشوم چون میدانم که معلمی آرزوی خیلی از انسان ها است و به آن افتخار می کنم.

چکیده:

این پروژه به بررسی نقش معلمی و تجربیاتی که در طول دوره های آموزشی تربیتی به دست آمده، می پردازد. هدف اصلی این مطالعه، نشان دادن اهمیت و جایگاه معلمی و تاثیرات آن برروی دانش آموزان و جامعه است. در این پروژه به موضوعات مختلفی از جمله مهارت های حرفه ای و ارتباطات در آموزش پرداخته شده است و به این نتیجه رسیدیم که معلمی فقط یک شغل نیست بلکه یک مسئولیت بزرگ است. معلمان با یادگیری روش های نوین تدریس و مدیریت کلاس، می توانند محیط بهتری برای یادگیری فراهم کنند و به رشد و پیشرفت دانش آموزان کمک کنند. همچنین اصولی مانند اخلاق حرفه ای و مسئولیت پذیری، نقش مهمی در موفقیت معلمان دارد. در این پروژه، تفاوت هایی که بین آغاز و پایان دوره های آموزشی معلمی وجود دارد، بررسی شده و نشان داده شده که چگونه تجربه و آموزش می تواند به بهبود عملکرد معلمان منجر بشود.

کلید واژه ها: معلمی، آموزش، مهارت های حرفه ای، مسئولیت بزرگ، اخلاق حرفه ای

فهرست:

تقدیم نامه.....	۴
پیش گفتار.....	۵
چکیده:.....	۶
مقدمه.....	۸
فصل ۱ : شرح تجارب تحصیلی در دوره آموزشی تربیتی معلم:.....	۹
انتظارات اولیه:.....	۹
تجارب زیسته.....	۱۱
تجارب عمومی:.....	۱۱
تجارب تخصصی:.....	۱۲
اولین تجربه تلخی که از معلمی در ذهنم مانده :.....	۱۲
اولین تجربه شیرین که از معلمی در ذهن دارم:.....	۱۳
تحلیل از رخداد های واقع شده در فرآیند تحصیل :.....	۱۳
تصمیمات اتخاذ شده و اعمال به انجام رسیده:.....	۱۴
آنچه شنیده شده(دانش ارائه شده).....	۱۵
آنچه پذیرفته شده است (دانش مورد مقبول).....	۱۸
فصل ۲: تشریح معلمی کردن خود در آینده:.....	۲۰
چگونگی معلمی کردن:.....	۲۰
نقاط قوت و ضعفم در معلمی:.....	۲۰
تجربیات جدید:.....	۲۰
باورهای یادگیری و آموزش:.....	۲۱
اصول یا نظریه های مبنایی برای معلمی کردن:.....	۲۱
آرمان های معلمی کردن:.....	۲۲
چالش های عمل معلمی در موقعیت های واقعی:.....	۲۳
چگونگی مواجهه با چالش ها در موقعیت عمل:.....	۲۳
فصل سوم: تعهدات حرفه ای معلم:.....	۲۵
نتیجه گیری:.....	۲۶
منابع:.....	۲۷

مقدمه

یادگیری در سنین کودکی مثل کاشتن بذر در زمین حاصلخیز است. هرچه در این دوران بکاریم، در آینده به بار می‌نشیند. آموزش ابتدایی اولین قدم‌ها برای ورود به دنیای بزرگتر است و معلم‌ها مثل راهنمایانی هستند که به کودکان کمک می‌کنند تا با دنیای پیرامون خود و نحوه برخورد آن آشنا شوند. به عنوان دانشجوی آموزش ابتدایی، من می‌خواهم یاد بگیرم چگونه می‌توانم بهترین حمایت را به کودکان ارائه دهم و آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های زندگی آماده کنم.

شغل معلمی از نظر من از زیباترین شغل‌های دنیا است و نقش کلیدی در شکل‌دهی به آینده نسل‌ها دارد، من هم بدلیل داشتن معلم‌های بسیار خوب در دوران دبستان تا پیش دانشگاهی تصمیم گرفتم وارد این عرصه بشوم. تاثیر مستقیم در این دوره حساس، که کودکان با دنیای دانش و یادگیری آشنا می‌شوند، بستری است برای کاشتن بذر دانش، اخلاق و مهارت‌های اجتماعی.

هدف من این است که نه تنها معلمی ماهر و دلسوز باشم، بلکه راهنمایی برای کودکان در مسیر رشد و پیشرفتشان نیز باشم معلمی باشم که دانش آموزان مرا به عنوان یک پدر دلسوز یاد کنند و همیشه مسائل و مشکلات خود را چه مالی، چه خانوادگی و ... هنگام ورود به کلاس درس دم در گذاشته و وقتی وارد کلاس می‌شوم تمام تلاش خود را برای تدریس خوب و کارآمد داشته باشم تا حداقل وجدان راحتی داشته باشم و خیال خودم از طرف عملکرد شخصی ام راحت باشد. خوشبختانه در طول آموزش خودم در دانشگاه فرهنگیان توانسته‌ام تجربیات زیادی را به خصوص در درس کارورزی کسب کنم و قطعاً این را می‌دانم که در ابتدای کار قرار نیست بهترین معلم دنیا باشم، باید تجربه کسب کنم، روحیات و ویژگی‌های دانش آموزانم را یاد بگیرم و کم‌کم بهتر و بهتر بشم و امیدوارم در طول زمان یکی از بهترین معلم‌های ایران بشوم، چرا که نه؟

معلمی چنان منزلتی به انسان می‌دهد که باور پذیر نیست، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: بخوان به نام پروردگارت که جهانیان را آفرید. پروردگارت کریم‌ترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی‌دانست.

در این آیات خداوند خود را معلم می‌خواند و جالب‌تر این که معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده‌ترین شاهکار خلقت می‌نامد و مقام معلم بودن را بعد از آفرینش قرار داده است.

بعد از این نکته سوالی می‌پرسم. معلم بودن افتخار نیست؟ عشق نیست؟ ما همانند پیامبرانی هستیم که با وجود تمام سختی‌ها و مشکلات تلاش می‌کنیم تا علم بیاموزیم و آموزش دهیم، امیدوارم در این مسیر موفق باشم و روز به روز پیشرفت کنم.

فصل ۱ : شرح تجارب تحصیلی در دوره آموزشی تربیتی معلم:

انتظارات اولیه:

بنظر من مهمترین چیزی که برای معلم نیاز است کسب تجربه و بودن در محیط آموزشی مثل مدرسه و کارگاه های مختلف است، انتظاراتی که از دانشگاه فرهنگیان داشتم دادن این تجربه به ما بود که این امر صورت گرفت اما می توانست بسیار بیشتر و بهتر رخ بدهد. اکثر دروس دانشگاه حتی اگر عنوان عملکردی داشته باشد و ابتدا نظر ما را جلب کند که بله قرار است مطالب بسیار مهم و تجربه خیلی خوبی کسب کنیم هنگام روبرو شدن با استاد و دیدن شیوه تدریس او نظرم را فرق می کند. درس را استاد روخوانی می کند و از دانشجویان می خواهد بنویسند تا در امتحان پایان ترم جواب بدهند یا استاد به صورت یک طرفه درس می دهد، نه دانشجویان مشارکت دارند نه استاد می خواهد که داشته باشند، فقط به ساعت خود نگاه می کند تا ببیند کی کلاس را تعطیل کند در صورتی که بنظر من میتوانیم خیلی از واحدها را کم کنیم و بجای آن جلسات دروسی مانند کارورزی یا درس های عملی را افزایش بدهیم ، اما اینگونه است که دانشجویان این مقدار واحد را بخوانند، امتحان بدهند و مدرک خود را بگیرند در صورتی که اکثر این ها بی فایده است، اما اساتید بسیار خوبی هم داشتیم که گفتن این نکته نیز خالی از لطف نیست، زحمات بسیار زیادی کشیدند و تا وقتی زنده ایم مدیون تلاش های بسیار زیاد آن ها هستیم اساتیدی که تجربیات خود را در اختیار ما گذاشتند، بسیار دلسوز بودند و گذر زمان در کلاس های آن ها حس نمی شد.

قطعا دانشجویان که از دانشگاه راهی مدرسه می شوند و به عنوان معلم شروع به کاری می کنند با زمانی که وارد دانشگاه شده اند تفاوت های بسیار زیادی دارند ، خیلی از دانشجویانی را دیده ام که حتی نمی توانند جلوی بقیه صحبت کنند یا زیر بار ارائه دادن و کنفرانس دادن نمی روند، در اینجا مسئولیت با خود دانشجو می باشد و اگر در آینده در این باره از دانشگاه و اساتید گله کند بنظرم عادلانه نیست. بصورت کلی انتظاراتی که داشتم شامل موارد زیر می شد:

۱ دستیابی به دانش عمیق و تخصصی :

امیدوار بودم که با بهره گیری از محیط آموزشی پویا و اساتید و کادر مجرب، دانش و مهارت های لازم برای تبدیل شدن به یک معلم موفق و تاثیرگذار را کسب کنم، که همانطور که گفتم برخی از اساتید بسیار عالی و تدریس کاربردی داشتند ولی بسیاری نیز بصورت حفظ کردن مطالب و پاس کردن درس بوده است مثلا در طول این چهار سال فقط یک استاد آن هم یک جلسه ما را به آزمایشگاه برای مشاهده کردن و یادگیری بهتر برده است، اگر شما آزمایشگاه دانشگاه را نگاهی بیاندازید روی تمام وسایل آن خاک نشسته است، این فقط یک نمونه کوچک بود که ذکر کردم امید است با گذر زمان شرایط یادگیری بهتر و بهتر بشود.

۲ توسعه مهارت های حرفه ای:

انتظار داشتم که در دوره تحصیل، مهارت های حرفه ای مانند مدیریت کلاس، برنامه ریزی درسی و ارزیابی تحصیلی را خودم را تقویت کنم که اگر بخواهم صادقانه بگویم بسیاری از دانشجویان در موارد ذکر شده پیشرفت کردند و خیلی بهتر شده اند مثلاً خود من که در کارورزی یک بسیار استرس داشتم و ایرادات زیادی در کارم بود اکنون در کارورزی چهار بسیار مسلط تر و بهتر شده ام این یک نمونه از مدیریت کلاس بود و در موارد دیگر نیز همینطور است.

۳ پرورش مهارت های ارتباطی:

تحصیل در دانشگاه فرهنگیان فرصتی برای تقویت مهارت های ارتباطی و تعاملی من بوده است که برای هر معلمی ضروری است، برقراری ارتباط با دانشجویان و همکاران دیگر، ارائه کنفرانس های مختلف و صحبت کردن و تدریس جلوی اساتید و دانشجویان بسیار مفید بوده است و بسیار تجربه کارآمدی بود.

۴ توسعه دیدگاه های نوآورانه در آموزش:

یادگیرم چگونه روش های خلاقانه و نوآورانه ای را در تدریس کشف کنم که به بهبود تجربه یادگیری دانش آموزان کمک کند، بفهمم تدریسم را چگونه انجام بدهم که صرفاً شنیدن دانش آموزانم نباشد و به اصطلاح آموزش فعال و دوسویه را اجرا کنم که بسیار در این امر موفق بوده ام و امیدوارم با کسب تجربه بیشتر بهتر بشوم.

۵ تقویت روحیه کار تیمی:

دانشگاه فعالیت هایی را ارائه بدهد که ما با شرکت کردن در کارهای تیمی و گروهی روحیه همکاری خودمان را افزایش بدهیم که این امر بسیار امیدوار کننده بود و فعالیت های این گونه بسیاری انجام شد. این انتظارات، نقشه راهی بودند برای سفر آموزشی ام و هدفم این بود که با پشت کار و تلاش به این اهداف دستیابم و یک معلم مسئولیت پذیر و خلاق بشوم، در طول این مسیر موانع و چالش هایی نیز وجود داشت، اما با انعطاف پذیری و تعهد به یادگیری مداوم توانستم از این موانع عبور کنم و به رشد خودم ادامه بدهم. خالی از لطف نیست که این را هم بگویم ما نباید فقط از دانشگاه انتظار داشته باشیم در اصل خودمان هستیم که راه را برای یادگیری و پیشرفت خود فراهم میکنیم، قطعاً باید از دانشگاه انتظار داشت اما اگر بخواهیم همه ایرادات را به گردن دانشگاه بیاندازیم جلوی پیشرفت خودمان را میگیریم.

تجارب زیسته

بنده در طول سال های تحصیل تجربیات زیادی را به خصوص در درس کارورزی کسب کرده ام و قطعاً من با احسان ترم اول تفاوت های زیادی دارم و بسیار با تجربه تر شده ام و با خصوصیات و ویژگی های دانش آموزان تا حدودی آشنا شده ام، در اینجا سعی می کنم گوشه ای از آموخته ها و تجربیاتم را بیان کنم اما لازم به ذکر نیست که هنوز راه زیادی در پیش دارم و اگر آموخته ها و دانش معلمی را دریایی در نظر بگیریم من هنوز قطره ای از این دریا را فرا گرفته ام.

تجارب عمومی:

بصورت خلاصه سعی می کنم تجاربی که برای عموم دانش آموزان یا اکثر آن ها در طول دوره ی تدریس بوده است را بیان کنم.

از تجارب اولیه که کلاس های آنلاین بود و تجربه ی جالبی بود اما اینکه اساتید و دیگر همکاران را نمی دیدیم جالب نبود. برخی از اساتید در کلاس های مجازی سختگیری زیادی می کردند و اگر دانشجویی حتی مشکل اینترنت داشت یا در زمان هایی که سامانه به هردلیلی کند بود باور نمی کردند و عذر او را می خواستند.

نظم و مقرراتی در دانشگاه وجود دارد که بسیار روی ساعت های برگزاری کلاس حساس است و حضور و غیاب دقیق انجام می شود، بنظرم این پیگیری از طرف آموزش لازم است و باعث بهبود عملکرد دانش آموزان می شود. حضور به موقع دانشجویان در کلاس های درس بسیار تاکید شده و قابل احترام بود. استفاده از پوشش مناسب، نپوشیدن لباس های نا مناسب که اکثر دانشجویان آن ها را رعایت می کردند.

غذاهای دانشگاه بجز در مقطعی که باعث اعتراض دانشجویان شد خیلی خوب بود ولی برخی دانشجویان غذا رزرو می کردند درحالی که اصلاً کلاس نداشتند یا به دانشگاه نمی آمدند، گرفتن غذای زیاد و اصراف شدن آن ها هم جالب نبود و برایم قابل فکر بود.

در یک مقطع اثرانگشت کار نمی کرد و گرفتن غذا برای برخی دانشجویان سخت بود، حالا ظهر بعد از این همه کلاس باید ثابت کنیم که بله ما غذا اسم نوشته ایم، بنظرم باید در این زمینه به دانشجو اعتماد کنند.

برگزار شدن دوره های مختلف برای دانشجویان که بسیاری از آن ها برایمان مفید و بدرد بخور بود و از آن استفاده کردیم، اما در این اواخر برگزار شدن دوره ای بود به نام دوشنبه فرهنگی، برنامه مفید و خوبی میتوانست باشد و می توانستند برای هرکس که پیگیری می کند حتی نمره مثبت در نظر بگیرند اما پیامکی برای دانشجویان مبنی بر غیبت خوردن و تاثیر منفی در کارنامه آن ها بنظرم اصلاً جالب نبود و در شان یک معلم نیست و دانشجویان اکثراً آن را خوشایند نمی دانستند.

بسیار اساتید زحمت کشی داشتیم و خوشحالم که دانشجوی آن ها بودم ولی برخی از اساتید اصلاً در سطح دانشگاه معلم ساز نیستند، شیوه تدریس روخوانی و حفظ کردنی و پرسش های کلاسی مثل دبستان که اگر فعالیت های عملی را بیشتر می کردند بسیار بهتر بود.

تجارب تخصصی:

در دانشگاه فرهنگیان و رشته آموزش ابتدایی، دانشجویان با مجموعه ای از دروس عمومی و تخصصی آشنا می شوند که هدف آن آماده سازی معلمان متخصص و مجرب برای آموزش در مقطع ابتدایی است. دروس عمومی شامل مباحثی چون فارسی، زبان انگلیسی و دروس تخصصی شامل دروس مرتبط با روش های تدریس و آموزش در مقطع ابتدایی می باشد.

برای نمونه دروس فارسی که در آن با مباحث مرتبط با زبان فارسی، ادبیات، نگارش و مهارت های زبانی آشنا می شویم.

تربیت بدنی که به دانشجویان کمک می کند تا مهارت های تدریس و توانمندی های جسمانی را در دانش آموزان ابتدایی تقویت کنند و همچنین دروس تخصصی شامل مباحث مرتبط با روش های تدریس، توسعه مهارت های تدریس، مدیریت کلاس، ارتباط با دانش آموزان و سایر مهارت های مورد نیاز برای تدریس در مقطع ابتدایی می شوند.

یادگرفتن مهارت های کلاس داری بیشتر در دروس عملی به خصوص کارورزی صورت گرفت که با مشاهده کلاس درس و رفتار های دانش آموزان و معلمان بسیار برایمان مفید واقع شده است و برای حضور در کلاس درس دانشجویان بسیار راحت تر و با تجربه تر شده اند.

اولین تجربه تلخی که از معلمی در ذهنم مانده :

بعد از چند جلسه که از کارورزی ۱ گذشته بود کودکی را در ذهن داشتم، بسیار روابط اجتماعی نا مناسب و بدی داشت، سعی می کرد تنها باشد، دیر به کلاس درس می آمد، در فعالیت های کلاسی مانند نقاشی شرکت نمی کرد، دفتر خود را نمی آورد یا جا می گذاشت، زنگ های تفریح داخل کلاس تنها می نشست و هرگز کلاس را ترک نمی کرد.

سعی کردم با او ارتباط بگیرم و مشکل او را بدانم، اینکه اینگونه تنها بود و بی انگیزه بسیار برایم سخت و اذیت کننده بود، بعد از چند جلسه دیدم که زنگ های تفریح در کلاس نمی ماند و بلخره بیرون آمده است، می ترسید از من دور شود و حتی وقتی داخل دفتر می رفتم دم در می ایستاد تا من بیرون بروم، بنظرم همین که توانسته بود زنگ های تفریح کلاس را ترک کند بسیار قدم مثبتی بود.

بلخره با ارتباط گرفتن بیشتر متوجه شدم که کودک مشکلات خانوادگی زیادی دارد و پدر و مادر او همیشه در حال جنگ و دعوا هستند و به کودک اهمیت نمی دهند لذا با معلم صحبت کردم و او گفت که من با مدرسه و خانواده او صحبت می کنم تا جلسات مشاوره را پیگیری کنند.

در اواخر این ترم کودک کم کم زنگ های تفریح خودش بیرون می رفت، در کارهای کلاسی تا حدودی شرکت می کرد و می توان گفت بهبود پیدا کرده بود، نه به طور کامل اما بسیار خوشحال بودم که توانستم مقداری به این کودک کمک کنم.

اولین تجربه شیرین که از معلمی در ذهن دارم:

قطعا در همین دوران کوتاه، تجربیات لذت بخش زیادی را دارم از همان کارورزی ۱ که وارد کلاس دوم شدم و بچه ها و معلم به احترام من ایستاد و سلام کردند تا اولین تدریس که انجام دادم و می دیدم چطور دانش آموزان گوش می دهند و یاد می گیرند و بسیار حس خوب و لذت بخشی در من بوجود آورد. از نقاشی هایی که برای بچه ها می کشیدم و با خوشحالی آن را رنگ می کردند و به معلم خود نشان می دادند تا املا گفتم به بچه های کلاس چهارم مدرسه شیشه بری همه و همه تجربه های شیرین و بسیار فراموش نشدنی هستند.

تحلیل از رخداد های واقع شده در فرآیند تحصیل :

بنده بدلیل علاقه بسیار زیادی که به معلم پایه پنجم ابتدایی (آقای گلابگیر) و همینطور معلم کلاس اولم (آقای طالبی) داشتم تصمیم گرفتم ابتدای فرم انتخاب رشته، فرهنگیان را انتخاب کنم و اگر فرهنگیان پذیرفته نمی شدم الان پرستار بودم و در دانشگاه پیراپزشکی تحصیل می کردم، اما الان با وجود مشکلات بسیار از انتخاب خودم خوشحال هستم و باعث افتخار من هست که معلم هستم و مانند پدر دوم برای دانش آموزان ارزش دارم و به آن ها علم می آموزم. از همان ابتدای قبول شدن خودم در دانشگاه فرهنگیان بازخوردهای مثبت و منفی بسیار زیادی را دریافت کرده و می کنم برای مثال پدر بزرگ و مادر بزرگم از ابتدا بسیار مرا تشویق کرده اند و این برای من بسیار با ارزش است، از سوی دیگر خیلی از افراد در فامیل حتی به من گفته اند معلمی نهایت بتواند خرج خورد و خوراک زندگی ات را در بیاورد و بسیار بسیار این موارد را گفته اند، حتی یکی از معلم های خانم به من گفتند معلمی برای آقایون خیلی بد نیست، همین جمله از طرف یک معلم واقعا از تمام وجود مرا ناراحت کرد و اگر بگویم در روحیه و عملکرد من تاثیر نگذاشته است دروغ گفته ام ولی حداقل تمام تلاش خودم را کردم که حتی اگر شده جلوی آن ها مشکلاتی که به عنوان معلم را داریم بازگو نکنم و تمام نقاط مثبت و زیبایی های این شغل شریف را بازگو کنم و بنظرم تمام معلمان علاوه بر اینکه باید تمام تلاش خود را برای اینکه جامعه به آن ها بهای بیشتری بدهد بکنند، باید منزلت این عشق زیبا را نگه داند و به عنوان یک خانواده بزرگ و بسیار مهم در پیشرفت جامعه این موارد را در نظر داشته باشیم.

جدا از این بازخوردهای منفی در طرف مقابل بعضی بازخوردهای دیگر هم آزاردهنده هستند، بعضی ها می گویند خوش به حال شما معلم ها سه ماه تابستان تعطیل هستید، کار شما هم فقط از صبح تا ظهر هست و اینکه معلمی را بسیار ساده می دانند درحالی که حتی دو دقیقه به عنوان معلم سر کلاس درس نبوده اند و تجربه سختی های آن را ندارد.

جدا از مشکلات این چینی که اکثرا مادی هستند معلمی زیبایی های خودش را دارد، برای روز معلم استادی را آوردند که خاطرات زیادی را می گفتند این نکته برایم جالب بود که گفتند بابت درد زیاد کلیه به مطب دکتری رفتم که منشی از من پرسید آیا وقت قبلی داری یا نه؟ من هم پاسخ دادم خیر اما دردی که دارم دارد من را از

بین می برد و می کشد، منشی قانع نشد و به شلوغی مطب اشاره کرد، من گفتم اینجا می نشینم، منشی با پوزخندی که داشت گفت هرچه می خواهی اینجا بنشین. بیماری که اتاق پزشک را ترک کرد و در را کامل نبست باعث شد پزشک مرا ببیند و بشناسد، پزشک بیرون آمد و در جلوی شلوغی جمعیت با من سلام و احوال پرسی کرد و من او را اصلاً به یاد نیاوردم اما گفت که شما معلم بنده بودی و بسیار به من کمک کردی و به بیماران و منشی خود گفت که ایشان معلم بنده بوده و حق گردن من دارد، اول ایشان را معاینه می کنم و هرکس مشکلی دارد می تواند برود.

این گوشه ای از خاطرات این استاد بزرگ بود که گویا استاد ریاضی هستند و در اوایل معلم ابتدایی بوده اند، بسیار این خاطره ایشان در ذهن من نشست، و یاد این سخن زیبا از امیر مومنان، حضرت علی(ع) افتادم که گفتند: (به پاس گرامیداشت پدر و معلم خود بپا خیز، گرچه پادشاه باشی)

این که امام معصوم جایگاه معلم را تا یک پدر بالا آورده است نشان دهنده مقام بالای این عشق است، بله معلمی یک شغل نیست، یک عشق است، آیا تمام مشکلات یاد شده ارزش این مقام بالا را ندارد؟

امیدوارم بتوانم در این زمینه پیشرفت کنم و هرگز زیبایی هایش را با دیگر شغل ها عوض نخواهم کرد، بله من با افتخار معلم هستم، معلم ابتدایی و هرکس بگوید کارت چیست با غرور می گویم معلم هستم.

تصمیمات اتخاذ شده و اعمال به انجام رسیده:

این که معلم باید اطلاعات زیادی داشته باشد و از نظر علمی بسیار قدر باشد واضح است و در طول دانشگاه دوره های مختلفی برگزار شد و سعی کردم در حد توانم در آن ها شرکت کنم و اطلاعات خودم را افزایش بدهم، اما بدلیل نداشتن وقت یا اکثراً نداشتن علاقه در برخی نیز شرکت نکرده ام، برای مثال بدلیل علاقه زیادی که به زیست شناسی و نجوم داشته ام سعی کردم در تمامی کارگاه های این چنینی شرکت کنم بدلیل اینکه نجوم و زیست شناسی را بسیار دوست دارم و حتی طی بازدیدی که از طرف دانشگاه داشتیم رصدخانه تفت که بزرگترین رصدخانه ایران است را دیدیم و با وجود سردی هوای شب تفت و سرماخوردگی که هنوزم تا حدودی دچارش هستم کاملاً ارزشش را داشت. همینطور اطلاعات پایه و اولیه آن را برای معلم کارآمد بودن نیاز داشتم.

بدلیل علاقه به کارهای عملی مانند کار با دوربین در کلاس های عکاسی و فیلمبرداری نیز شرکت کرده ام، حتی با وجود این که دوربین عکاسی ندارم ولی علاقه ام نگذاشت که از این فرصت ها استفاده نکنم.

متأسفانه در مسابقات شرکت نکردم و تنها مسابقه پی اس که همان بازی رایانه ای هست را به دلیل خواهش یکی از دوستان ثبت نام کردم که بدلیل مخالفت رییس دانشگاه کنسل شد (بهار ۱۴۰۳) و دلیل مخالفت ایشان این بود که این مسابقات در منزلت دانشگاه ما نیست، در صورتی که در تمام کشورهای پیشرفته به این بازی ها هم بها می دهند و حداقل برای تفریح هم که شده آن ها را برگزار می کنند.

به نظرم اگر در مسابقات شرکت می کردم و تلاش بیشتری می کردم قطعاً نتایجی را به همراه داشتم.

به دور از کارگاه و کارهای دانشگاه سعی کردم کتاب هایی که درباره مدیریت کلاس و روانشناسی دانش آموزان هست را تا حد توانم بخوانم و اطلاعات کسب کنم و اساتید بسیار خوبی را هم داشتیم که برای افزایش اطلاعات ما هیچ کوتاهی نکردند و تمام تلاش خودشان را کردند. از تصمیمات مهمی که گرفتم این بود که در مقطع کارشناسی ارشد، آزمون روانشناسی را بدهم و برای ادامه تحصیل در روانشناسی تربیتی ثبت نام کرده ام و امیدوارم در آینده بهترین ها رقم بخورد.

آنچه شنیده شده (دانش ارائه شده)

قطعا اگر بخواهم ریز به ریز تمام دروس ارائه شده و همینطور مطالب ارائه شده را بیان کنم بسیار سخت و مشکل خواهد بود اما در این بخش سعی می کنم به یک سری از موارد مهم ارائه شده در دانشگاه اشاره کنم و درباره آنها توضیحاتی بدهم اما بی شک مطالب ارائه شده بسیار بیشتر هستند و جمع بندی آن ها در یک فایل کار راحتی نخواهد بود.

به یاد ماندنی موردی که به ذهن می رسد نظریه های یادگیری می باشد. اساتید دانشگاه با تاکید بر اهمیت نظریه های یادگیری در فرآیند آموزش، به معرفی و توضیح چندین نظریه مهم پرداخته اند که برخی از آنها عبارتند از: ۱. نظریه رفتار گرایی: بنیان گذاران آن جان واتسون و اسکینر هستند و اصول آن مبتنی بر رفتار قابل مشاهده، نقش تقویت و تنبیه در یادگیری است. کاربرد آن استفاده از پاداش و تنبیه برای شکل دهی رفتار مطلوب در کلاس در می باشد.

۳. نظریه شناخت گرایی: بنیان گذاران آن ژان پیاژه و جروم برونر هستند و اصول آن این است که یادگیری به عنوان فرآیندی فعال تلقی می شود که در آن دانش آموزان اطلاعات را پردازش و سازماندهی می کنند و کاربرد آن استفاده از روش های آموزشی است که به تقویت تفکر انتقادی و حل مسئله کمک می کند. ۳. نظریه ساخت گرایی: بنیان گذاران آن ژان پیاژه و لو ویگوتسکی هستند و اصول آن به طور کلی این است که یادگیری به عنوان فرآیندی که در آن دانش آموزان با ساختن دانش خود به صورت فعالانه درگیر می شوند و کاربرد آن استفاده از روش های تدریس مشارکتی و پروژه های گروهی می باشد.

در بالا سعی کردم نظریه های یادگیری را بصورت خلاصه بنویسم اما اگر کامل توضیح داده شود قطعاً بسیار سخت و غیر قابل نوشتن خواهد شد.

اما در ادامه به بخش مهم دیگری می پردازم که شامل روش های تدریس می شود. این درس به بررسی و آموزش روش ها و تکنیک های مختلف تدریس می پردازد. هدف اصلی این درس تجهیز دانشجویان با ابزارها و روش های موثر برای تدریس در کلاس های ابتدایی است که شامل :

۱. روش های تدریس فعال و مشارکتی

۲. استفاده از تکنولوژی های نوین در آموزش

۳. مدیریت کلاس درس

۴. طراحی فعالیت های یادگیری متنوع

مورد بعدی که بسیار با اهمیت است مربوط به برنامه ریزی درسی می شود. در این درس دانشجویان با اصول و روش های برنامه ریزی درسی آشنا می شوند. برنامه ریزی درسی یکی از مهارت های حیاتی برای معلمان است تا محتوای آموزشی را بطور منظم و هدفمند ارائه بدهند.

۱. طراحی برنامه های درسی

۲. ارزیابی نیازهای آموزشی دانش آموزان

۳. تدوین اهداف آموزشی

۴. تنظیم زمانبندی مناسب برای تدریس

یکی دیگر از دروسی که بسیار اهمیت داشت و واقعا در ذهن من مانده است بررسی اختلالات یادگیری است که با استاد خلیلی زارچی طی شد. این درس به ما کمک می کند که اختلالات یادگیری در دانش آموزان ابتدایی را شناسایی و مدیریت کنیم که از مهم ترین اختلالاتی که وجود دارد اختلالات خواندن، ریاضی و نوشتن است که سعی می کنم به صورت مختصر و مفید درباره آن توضیحاتی بدهم.

۱. اختلال خواندن (dyslexia)

نشانه های آن مشکلات دانش آموزان در تشخیص کلمات، خواندن آهسته و بی دقت است و راهکارهای اصلاح آن استفاده از روش های چندحسی، تمرین های تقویت حافظه دیداری و شنیداری و ... است. این اختلال از مهمترین اختلالاتی است که به ما آموزش داده شده است و تا حدود بسیار زیادی می دانم که در برابر این مشکل باید چه کرد. دلیل اهمیت خواندن این است که در تمامی دروس دانش آموز به آن نیاز دارد. برای مثال نه تنها درس فارسی و خوانش آن بلکه ریاضی را دانش آموز باید خوب بخواند، متوجه بشود و در نهایت پاسخ بدهد پس از هر لحاظی که نگاه کنیم خواندن پایه ترین دانشی است که دانش آموزان باید بر آن مسلط بشوند.

۲. اختلال ریاضی (dyscalculia)

نشانه های آن وجود مشکلات در درک مفاهیم ریاضی و انجام محاسبات ساده ریاضی می باشد و در نهایت منجر به مشکلات مداوم یادگیری می شود.

- مشکل در انجام عملیات های ساده مانند جمع، تفریق، ضرب و تقسیم
- مشکل درک روابط فضایی که مسائل مربوط به اندازه گیری، زمان و پول برای این دانش آموزان پیچیده است.

- مشکل در حافظه ریاضی که دانش آموز در به خاطر سپردن فرمول های ریاضی، جدول ضرب و قواعد ریاضی مشکل دارد.
- مشکل در درک توالی است که به صورت خلاصه درک و دنبال کردن مراحل حل مسئله برپا این دانش آموزان می تواند چالش برانگیز باشد.
- راهکارها و استراتژی های آموزشی شامل:
- استفاده از ابزارهای بصری
- آموزش چندحسی
- تقسیم مسائل به مراحل کوچک تر
- بازی های آموزشی

۳. اختلال نوشتن (dysgraphia)

منجر به مشکلات مداوم در نوشتن می شود. این اختلال بر توانایی فرد در نوشتن صحیح، دست خط و سازماندهی افکار بر روی کاغذ تاثیر می گذارد.

راهکار ها و استراتژی ها شامل:

- تقویت مهارت های حرکتی ظریف
- استفاده از تکنولوژی ها مانند کامپیوتر (کم کردن فشار نوشتن دستی)
- آموزش نوشتن گام به گام
- ارائه بازخورد مثبت و تشویق کردن

درباره اختلالات یادگیری باید بگویم که درک و شناسایی آن ها از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا این دانش آموزان نیاز به رویکردها و استراتژی های آموزشی خاصی دارند تا بتوانند به بهترین شکل ممکن بیاد بگیرند و موفق بشوند. معلمان و والدین باید با همکاری و استفاده از منابع و ابزارهای مناسب، به این دانش آموزان کمک کنند تا بر مشکلات خود غلبه کنند. من هم لازم دیدم درباره این اختلالات توضیحاتی بدهم چون به نظرم از مهمترین و کاربردی ترین دروس دانشگاه بود.

اما می دانیم که بسیاری از موارد را نمی توان صرفا با پاس کردن واحدهای درسی فرا گرفت و نیاز به تجربه داریم و نزدیک ترین درسی که می توانست این را برای ما شبیه سازی کند کارورزی بود و روبرو شدن با دانش آموزان که هر کدام از آن ها ویژگی های مختلفی دارند و قطعا در طول این ترم ها تجارب زیادی به دست آورده شد. برای مثال موارد بسیار زیادی از بیش فعالی را در کلاس های مختلف که حضور داشتم دیدم و تا حدود بسیار

زیادی درباره آن اطلاعات دارم. به صورت کلی موجب فعالیت بدنی بسیار زیاد در دانش آموز و کاهش تمرکز او می شود که نشانه های مختلفی دارد که شامل:

- عدم توجه به صحبت ها
- مشکل در پیروی از دستورالعمل ها
- مشکل در سازماندهی فعالیت ها
- اجتناب از فعالیت های نیازمند تلاش ذهنی مدام
- گم کردن مداوم اشیا و فراموشکاری

علل آن بصورت کامل مشخص نشده است اما بصورت کلی می تواند عوامل ژنتیکی و محیطی باشد. عوامل ژنتیکی یعنی از خانواده به ارث برده باشد و عوامل محیطی مواردی مانند قرار گرفتن در مقابل سموم و زایمان زودرس را شامل می شود.

برای درمان نیز داروهایی وجود دارد اما به نظرم تا حد امکان باید سعی کرد تا با استفاده از مداخلات رفتاری و آموزشی کودکان را بهبود بخشید.

در این قسمت سعی کردم موارد و دروس مهم و بخش هایی که بیشتر در ذهنم مانده بود را بازگو کنم که ترکیبی از دروس دانشگاه و کارورزی بود.

آنچه پذیرفته شده است (دانش مورد مقبول)

مطالب و دروسی که توسط اساتید ارائه می شد تماما مورد احترام اینجانب می باشد اما در اینجا سعی می کنم قسمتی از دانش پذیرفته شده را بیاورم و برای شروع تصمیم گرفتم مطلبی را درباره توسعه اجتماعی کودکان بیان کنم.

توسعه اجتماعی به توانایی کودکان برای برقراری ارتباط موثر با دیگران، همکاری، همدلی و مدیریت روابط اجتماعی اشاره دارد. برخی از اصول پذیرفته شده در این زمینه عبارتند از:

۱. اهمیت ارتباط اولیه: ارتباط اولیه کودکان با مراقبان اصلی شان نقش حیاتی در شکل گیری روابط اجتماعی آینده آنها دارد. تعاملات مثبت و پشتیبانی کننده در این مرحله، بنیان گذار توانایی های اجتماعی قوی در کودکان است.

۲. یادگیری از طریق مشاهده: کودکان از طریق مشاهده رفتارهای دیگران، به ویژه مدل های نقش های والدین و معلمان، مهارت های اجتماعی را می آموزند. رفتارهای همدلانه، همکاری و حل تعارض از طریق این شیوه به کودکان منتقل می شود.

نوع رفتار	مشاهده	تقلید
همدلی	۵۰	۴۵
همکاری	۶۰	۵۵
خشونت	۳۰	۲۵

این نمودار مربوط به توسعه اجتماعی است و به ما کمک می کند بصورت فرضی بررسی کنیم که کودکان چندبار رفتارهای مختلف را که مشاهده کرده اند را تقلید می کنند.

نکته بعدی که از نظر من بسیار مهم است بحث توسعه عاطفی می باشد که به توانایی کودک برای شناخت، بیان و مدیریت احساسات خود اشاره دارد. این جنبه از رشد، تاثیر مستقیم بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان دارد. نکته مهم در اینجا بررسی هوش هیجانی است که شامل توانایی های مختلفی مانند خودآگاهی، خود مدیریتی، انگیزش، همدلی و مهارت های اجتماعی است که آموزش این مهارت ها به کودکان کمک می کند احساسات خود را بهتر مدیریت کنند.

محیط های حمایتی نقش بسیار مهمی در این زمینه دارند و ایجاد یک فضای امن و حمایت کننده به کودکان کمک می کند احساس امنیت داشته باشند و به رشد عاطفی سالم دست یابند.

در نهایت، تمرکز بر توسعه اجتماعی و عاطفی کودکان در برنامه های آموزشی می تواند به رشد همه جانبه آنها کمک کند. شناخت و درک صحیح از این مفاهیم به والدین و معلمان این امکان را می دهد تا به شیوه ای موثر تر با کودکان ارتباط برقرار کنند و آنها را در مسیر رشد هدایت کنند و در نهایت منجر به پرورش نسلی متعادل، همدل و با هوش اجتماعی خواهد شد.

قسمت مهم بعدی مدیریت کلاس می باشد که یکی از مهمترین جنبه های تدریس موثر است که تاثیر بسزایی بر یادگیری دانش آموزان دارد. این بخش به بررسی دانش و مهارت های کلیدی مورد نیاز برای مدیریت کلاس پرداخت که از تحقیقات اخیر و تجربیات عملی به دست آمده است که بسیار در کارورزی به ما کمک کرد و قطعاً در مسیر معلمی نیز تاثیرگذار خواهد بود.

فصل ۲: تشریح معلمی کردن خود در آینده:

چگونگی معلمی کردن:

به عنوان یک معلم، هدف من ایجاد یک محیط آموزشی پویا و حمایتی است که در آن هر دانش آموز بتواند به بالاترین پتانسیل خودش دست پیدا کند. من معتقدم که معلمی نه تنها انتقال دانش، بلکه پرورش شخصیت و توانمندی های دانش آموزان نیز است.

می خواهم معلمی بشوم که دانش آموزانم را به یادگیری علاقه مند کنم و آنها را تشویق کنم تا به دنبال استعدادها و علایق خود بروند. این شامل ارائه محتوای درسی به شیوه ای جذاب و مرتبط با زندگی روزمره آنها است. سعی می کنم دانش آموزانم را تشویق کنم تا خلاقیت خود را پرورش بدهند و راه حل های نوآورانه برای مسائل پیدا کنند که شامل پروژه های خلاقانه و فعالیت های گروهی است و به پرورش تفکر خلاق و همکاری کمک خواهد کرد.

تلاش خواهم کرد که دانش آموزانم احساس کنند که در محیطی امن و حمایت کننده هستند، جایی که می توانند بدون ترس از قضاوت، اشتباهات خود را بپذیرند و از آنها یاد بگیرند.

یکی از مهارت های کلیدی که می خواهم به عنوان معلم توسعه دهم، توانایی گوش دادن فعال به دانش آموزان است. این به من کمک می کند تا بهتر بفهمم آنها چه نیازها و نگرانی هایی دارند و بتوانم به شکل موثرتر به آنها پاسخ بدهم. علاوه بر آن به دنبال برقراری ارتباط شفاف و صریح با دانش آموزان، والدین و همکاران خواهم بود که شامل ارائه بازخورد سازنده و ایجاد کانال های ارتباطی باز برای تبادل نظرات و ایده ها است.

نقاط قوت و ضعفم در معلمی:

با اشتیاق و انرژی زیاد به تدریس می پردازم و این ویژگی دانش آموزانم را به یادگیری تشویق می کند. اما مهمترین نکته قوتی که به ذهنم می آید تعهد من نسبت به موفقیت دانش آموزانم است. همیشه سعی می کنم بهترین ها را برای آنها فراهم کنم تا به اهداف خود برسند در ضمن مهارت های ارتباطی من به من اجازه می دهد تا با دانش آموزان، والدین و همکاران به خوبی ارتباط برقرار کنم و همکاری خوبی با آنها داشته باشم. قطعاً همه در این زمینه چه دانشجو معلم ها چه افراد با سابقه نقاط ضعف زیادی را دارند و من هم جدای از این نیستیم و قطعاً نقطه ضعف هایی دارم که مطمئن هستم با گذشت زمان اصلاح خواهد شد.

تجربیات جدید:

بسیار علاقه دارم که در آینده تجربه تدریس به پایه های مختلف را داشته باشم تا نیازهای آموزشی و روش های تدریس مناسب برای هر گروه سنی را بهتر بشناسم. علاوه بر آن بسیار علاقه دارم تا با دانش آموزانی که نیازهای ویژه تری دارند مانند دانش آموزانی که اختلالات یادگیری، اوتیسم و ... دارند کار کنم و بیشتر و بهتر آنها را بشناسم و در ادامه به آنها کمک کنم.

تمام تلاشم را برای استفاده از فناوری های آموزشی مانند تخته های هوشمند، نرم افزارهای آموزشی و پلتفرم های آنلاین می کنم تا تدریس جذاب تری داشته باشم.

سعی خودم را برای طراحی و مدیریت پروژه های گروهی می کنم که می تواند مهارت های همکاری و کارگروهی دانش آموزان را تقویت کند .

باورهای یادگیری و آموزش:

من اعتقاد دارم که یادگیری فقط یک فرآیند محدود به کلاس درس و مدرسه نیست، بلکه یک فرآیند پیوسته است که در طول زندگی ادامه دارد. هر تجربه و موقعیتی می تواند فرصتی برای یادگیری باشد و علاوه بر آن به نظر من یادگیری باید فعال و مشارکتی باشد و زمانی در آن موفق می شوم که از طریق فعالیت های گروهی، بحث ها و کارهای عملی دانش آموزان را درگیر کنم.

نکته مهم بعدی این است که یادگیری باید شخصی سازی شود. هر دانش آموز منحصر به فرد است و سبک یادگیری خاص خودش را دارد. من معتقدم که آموزش باید به نحوی طراحی شود که نیازها، علایق و توانایی های فردی دانش آموزان را در بر بگیرد.

بسیار برایم مهم است که دانش آموزان به طور مستمر و سازنده بازخورد دریافت کنند تا بتوانند نقاط ضعف و قوت خود را بشناسند و برای بهبود عملکرد خود تلاش کنند.

باور دارم می توانم از فناوری های گوناگون استفاده بسیاری کنم و با ابزارهای دیجیتال و منابع آنلاین فرصت های یادگیری را فراهم کنم.

اصول یا نظریه های مبنایی برای معلمی کردن:

به عنوان یک معلم قطعا ارزش ها و اصولی را در ذهن دارم و تمام سعی خود را برای عملی کردن آنها می کنم و قطعا همکاران نیز با بسیاری از مواردی که ذکر خواهد شد موافق هستند.

۱. بدانم که معلمی یک شغل نیست و به آن افتخار کنم.

۲. مسئولیت پذیر باشم.

۳. به دانش آموزان و والدین با احترام و منصفانه برخورد کنم.

۴. یک محیط یادگیری امن و حمایتی ایجاد کنم.

۵. به تفاوت های فردی دانش آموزانم توجه کنم.

۶. همواره رفتار حرفه ای از خود نشان بدهم.

۷. کارگروهی را ترویج کنم.

۸. انگیزه دانش آموزانم را بالا ببرم.

۹. به نیازهای عاطفی دانش آموزان توجه کنم.

۱۰. برای فرهنگ های مختلف در کلاس ارزش قائل باشم.
۱۱. دانش آموزان را به خلاقیت و نوآوری تشویق کنم.
۱۲. دانش و مهارت های خود را به طور مداوم بروز نگه دارم.
۱۳. دانش آموزان را به یادگیری مداوم تشویق کنم.
۱۴. دانش آموزان را به تفکر انتقادی و پرسش گری تشویق کنم.
۱۵. کلاس را به خوبی مدیریت کنم و انضباط آن را حفظ کنم.
۱۶. برای هر جلسه کلاس برنامه ریزی دقیق داشته باشم.
۱۷. زندگی داخل و خارج مدرسه را از هم جدا کنم.
۱۸. برای کلاس قانون داشته باشم.
۱۹. انتقاد دیگران را بشنوم و اگر درست است گوش بدهم.
۲۰. با همکاران و والدین محترمانه و درست رفتار کنم.

آرمان های معلمی کردن:

- ❖ بتوانم سالیان سال در این حرفه خدمت کنم و قدر جایی که به آن رسیده ام را بدانم.
- ❖ در آینده بیشتر به معلمی بها داده بشود و جوری باشد که در ایران نیز به معلم ها به اندازه کشورهای توسعه یافته بها داده شود و برای آن ارزش قائل بشوند.
- ❖ در نگاه دانش آموزانم معلمی با علم و با شخصیت باشم و دانش آموزان و والدین آنها برایم ارزش بسیاری قائل باشند و از اینکه من معلم بچه های آنها هستم خوشحال و راضی باشند نه دلسرد.
- ❖ بتوانم در مسیر معلمی که پیش رو دارم پیشرفت کنم و روز به روز قله های علمی را طی کنم و تجربه تدریس به سنین مختلف و پایه های مختلف را به دست بیاورم و حتی در آینده نزدیک دکترای خودم را بگیرم.
- ❖ آرزوی هر مدیری باشد که من در مدرسه او تدریس کنم.
- ❖ آرزو دارم معلمی فراموش نشدنی باشم. همان گونه که خودم بسیاری از معلمینم را به خاطر دارم و اگر روزی آن ها را ببینم با احترام و روی خوش از آنها استقبال می کنم.
- ❖ حتی اگر شده روی یک دانش آموز اثر بگذارم و زندگی او را به راه درست ختم کنم و پتانسیل او را کشف کنم.

❖ ارزش های اخلاقی مانند صداقت، عدالت، دوست داشتن و صمیمیت را به دانش آموزانم یاد بدهم.

چالش های عمل معلمی در موقعیت های واقعی:

به عنوان معلم قطعا همه ما با چالش هایی مواجه خواهیم شد که سعی می کنم مواردی را بیاورم.

چالش اول: مدیریت کلاس یکی از مهمترین چالش های معلمان است. ایجاد نظم، توجه به نیازهای هر دانش آموز و اطمینان از مشارکت فعال همه دانش آموزان بسیار زمان بر و پیچیده خواهد بود.

چالش دوم: مربوط به تنوع دانش آموزان می شود که از لحاظ پیشینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت هستند. معلم باید با دانش آموزانی با نیازها و ویژگی های متفاوت کار کند.

چالش سوم: تعامل با والدین دانش آموزان، خصوصا در مواردی که والدین انتظارات غیرواقعی دارند یا همکاری نمی کنند، می تواند دشوار باشد. ایجاد یک ارتباط موثر و مثبت با والدین اهمیت بالایی دارد.

چالش چهارم: معلمی می تواند پر استرس باشد و نیازمند آماده سازی دروس، ارزیابی مستمر و مدیریت کلاس می تواند منجر به فرسودگی شغلی بشود.

چالش پنجم: برخورد با رفتارهای نامناسب دانش آموزان یکی دیگر از چالش های مهم است و معلم باید برای آن راهبردهای مناسب داشته باشد.

این چالش ها نشان می دهد معلمی تنها انتقال دانش نیست بلکه نیازمند مهارت های مدیریتی، ارتباطی و روان شناختی پیچیده ای است.

چگونگی مواجهه با چالش ها در موقعیت عمل:

مواجهه با چالش های معلمی نیازمند استراتژی ها و راهکارهای متعددی است که در ادامه به آنها می پردازم.

چالش اول: از همان ابتدای سال تحصیلی، قوانین و انتظارات واضحی را معلم باید برای کلاس درس تعیین کند و توجه شود که ایجاد یک محیط مثبت می تواند به کاهش مشکلات رفتاری کمک کند.

چالش دوم: استفاده از روش های آموزشی متنوع که نیازهای مختلف دانش آموزان را پوشش دهد. همچنین با مطالعه و آشنایی با فرهنگ ها و پیشینه های مختلف، می توانیم بهتر با دانش آموزان ارتباط برقرار کنیم.

چالش سوم: برای این چالش می توانیم از طریق جلسات حضوری، فضای مجازی، پیامرسانی و ... با آنها ارتباط برقرار کنیم. بسیار مهم است که به عنوان معلم به نگرانی ها و نظرات والدین به دقت گوش کنیم و برای ایجاد همکاری موثر تلاش کنیم.

چالش چهارم: برای کاهش استرس و فشار مهم ترین چیزی که وجود دارد برنامه ریزی دقیق و مدیریت موثر زمان است که می تواند بسیار اثربخش باشد.

همچنین معلم باید برای خودش زمان کافی اختصاص بدهد و به فعالیت هایی مانند استراحت، فعالیت های تفریحی و ورزشی بپردازد.

چالش پنجم: معلم باید از تکنیک های مختلف مانند تشویق و تنبیه استفاده کند. تشویق می تواند همان استفاده از عبارت های ساده باشد تا پاداش های کوچک مانند کارت های امتیاز. برای تنبیه استفاده از تذکرات کلامی ملایم و در موارد جدی تر استفاده از لحن جدی برای هشدار دادن به دانش آموز، تغییر دادن محل نشستن دانش آموز به جایی که کمتر بتواند رفتار نامناسب خود را ادامه بدهد، کسر امتیاز، جلسات مشاوره و راهنمایی استفاده می شود.

با استفاده از این تکنیک ها، معلم می تواند بهتر با چالش های موجود مواجه شده و به بهبود کیفیت آموزش و یادگیری در کلاس درس کمک کند.

فصل سوم: تعهدات حرفه ای معلم:

بهسازی مستمر و یادگیری مادام العمر برای معلمان امری حیاتی است. در اینجا مواردی که قرار است برای بهسازی مستمر و یادگیری مادام العمر به کار ببرم بیان می کنم.

۱. خواندن کتاب های جدید و مرتبط با آموزش و پرورش، روان شناسی تربیتی و روش های تدریس.
۲. شرکت کردن در کارگاه های آموزشی مرتبط با حوزه تدریس و مدیریت کلاس.
۳. عضویت در گروه ها و انجمن های تخصصی مرتبط با حوزه تدریس.
۴. شرکت در جلسات هم فکری و تبادل نظر با سایر معلمان برای به اشتراک گذاشتن تجربیات و ایده ها.
۵. شرکت در وبینارها و سمینارهای آموزشی که به صورت آنلاین برگزار می شوند.
۶. دائما خودم را ارزیابی کنم و نقاط ضعف و قوت خودم را شناسایی کنم.
۷. از دانش آموزان، همکاران و مدیر بازخورد بگیرم و سعی کنم از آنها برای بهبود عملکرد استفاده کنم.
۸. آزمایش و پیاده سازی روش های تدریس جدید مانند یادگیری مبتنی بر بازی.
۹. انجام پژوهش های علمی در کلاس درس و استفاده از نتایج آنها برای بهبود روش های تدریس.
۱۰. حفظ سلامت جسمانی از طریق ورزش منظم و تغذیه سالم.
۱۱. هیچوقت به دانش آموزانم انرژی منفی ندهم.
۱۲. دانش آموزانم را دوست بدارم و برای پیشرفت آنها تلاش کنم.

نتیجه گیری:

در این پروژه تجربیات چندین ساله در حرفه معلمی را بررسی کردم و به نتایج ارزشمندی دست پیدا کردم. از آغاز این مسیر تا کنون تفاوت های بسیاری در من رخ داده است و بسیار پیشرفت کرده ام. در ابتدا، معلمی تنها به عنوان یک شغل دیده می شد، اما به گذر زمان و کسب تجربه، اهمیت و ارزش واقعی آن نمایان شد. معلمی یک رسالت است که تاثیر عمیقی بر زندگی دانش آموزان و آینده جامعه دارد. تجربیات این مدت، شامل دستیابی به دانش تخصصی، توسعه مهارت های حرفه ای و تقویت مهارت های ارتباطی، نقش مهمی در بهبود کیفیت آموزش داشته است. همچنین، یادگیری روش های نوین تدریس و مدیریت کلاس، به افزایش کارایی و اثربخشی در تدریس کمک کرده است. در پایان این سال ها، تفاوت های چشمگیری نسبت به آغاز مسیر مشاهده می شود و با دیدگاه گسترده تر و عمیق تر به معلمی نگرسته می شود و ارزش های اخلاقی، مسئولیت پذیری و تعهد حرفه ای به عنوان اصول اساسی در این حرفه تقویت شده است. در انتهای کار تشکر می کنم از اساتید و همکاران محترم که برای موفقیت ما تلاش کردند و از هیچ تلاشی دریغ نکرده اند و در نهایت بسیار خوشحالم که توانستم در دانشگاه فرهنگیان تحصیل کنم که آرزوی خیلی از افراد می باشد و هر جا باشم با وجود تمام مشکلات، با افتخار می گویم که معلم هستم.

منابع:

۱. شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۸)، معلمی و تربیت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صفحه ۴۵-۶۸.
۲. شعبانی، حسن (۱۳۹۵)، روش ها و فنون تدریس، تهران: انتشارات سمت، صفحه ۱۲۳-۱۴۵.
۳. سیف، علی اکبر (۱۳۹۶)، نظریه های یادگیری، تهران: انتشارات دوران، صفحه ۷۵-۹۰.
۴. بازرگان، عباس (۱۳۹۷)، مهارت های ارتباطی در آموزش، تهران، انتشارات رشد، صفحه ۱۰۱-۱۲۰.